




اگر بدخشان انگشتر طلایی باشد، پس حوض شیوه نگین الماس آن است. (گرام باچوفسکی)

<p>Муаллиф: Довудшоҳ Сулаймоншоҳ</p> <p>27 августи с. 2012</p> <p>Тоҷикони берунмарзии мо</p> <p>Шева бо фирдавс дорад хамсарӣ...</p>		<p>مولف: داود شاه سلیمان شاه ۲۷ اگست ۱۳۹۱ مطابق به ۷ سرطان ۱۳۹۱</p> <p>تاجیکان بیرون مرزی ما</p> <p>شیوه با فردوس دارد همسری...</p>
------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

برگرداننده از تاجیکی: سرور ارکان

۴ دلو ۱۳۹۱

اغلب ساکنان تاجیکستان، به استثنای برخی عالمان جغرافیه دان، زبان شناس و افراد انگشت شماری با نام سیاح در رابطه به شیوه و مردم شان معلومات ندارند. در مورد کم معلوماتی در خصوص شیوه از ساکنان تاجیکستان نباید گله کرد، به دلیل آنکه هنگام سفر و در اثنای پرسش و ورخوری ها با مردمان در جمهوری اسلامی افغانستان از آنها در ارتباط به شیوه یا هیچ معلومات نمیگرفتیم و یا اگر معلومات بدست می آوردیم، سطحی و پراز اشتباه بود.

نوشته های این قید نامه های سفرم را اصلا من در شهر بهارک، بعد باز دید از بازار آن روی کاغذ آوردم. صبح تابستان، ماه جون ۲۰۰۸، بعد از ناشتا من و هم سفرانم اختیار بازدید از بازار بهارک را داشتیم. اینک در چارسوی (چهار راهی) شهر، بازار به چهار طرف روی کوچه های اصلی و فرعی دامن گسترده، دکانداران صبح خیز دست آستین برزده، منتظر خریداران، نزدیک راهروی بین دکانها نشسته بودند. ما تماشا کنان از گذر به گذری و از رسته به رسته ای میرفتیم. یخ ماست فروشی (شیر یخ فروشی) برف و شیر با شکر آمیخته را مثل خمیر در نانوایی مشت باران میکرد. همکارم مجنون از خاروغ، که بار اول با وصول دستی تهیه کردن یخ ماست (شیر یخ) را دیده بود، حیران- حیران از یخ ماست فروش پرسید: "برادر، برای تهیه شیر یخ برف را از کجا می آورید؟" البته از شیوه. در این تموز تابستان برف و یخ در جای دیگر پیدا نمی شوند، مگر در شیوه. آن سو تر رفته بقالی را دیدم که در تشت کلان چغاره (قارچ سفید) میفروخت. در ماه جون سودای چغاره دیده، حیران زده از فروشنده ان پرسان کردم: "آغا، چغاره را از کجا آوردید؟" فعلا چغاره تنها از ادیر های مرطوب و بلند کوه شیوه می آورم. به رسته قصابان گوشت فروش رسیده، از دیدن سودای منظم گوشت فروشان حلاوت بردم. گوشت فروشی خیل-خیل و قطار- قطار سر چنگک های آهنین آویخته و با دوکه پیچاندگی به نظر کس نو

قصابی شدگی بر این می نمود (معلوم می شد). کله و پاچه چهارپایان قصابی شده را قصابان در تشت و تگاره های بزرگی در یک ردیف به منظور خریداران مانده بودند. گوشت گوسفند فربه را نشان داده، از قصاب پرسیدم: "آغا، این همه گوشت سودایی از مالداران بهارک است؟" از مالداران بهارک بسیار کم. اکثراً، گوشت از قصابانی است که مال را از شیوه میخرند. در این لحظه سه- چهار کودکی از نزد ما گذشته، با آواز جرنگ- جرنگ خریداران را به سوی خود جلب می نمودند: "پنیر و مسکه شیوه! ماست و قیماق تازه از شیوه آورده را بچشید! سرمه سنگ شیوه را بخرید. سورمه سنگ شیوه- بیخ از سرمه کشمیر هندوستان." از سخنان سودا گرچه های جار زن خوشم آمد. در دل خود شکر می گفتم، که پس از دو روز ما "بای خانه" یا ملکی پراز دارایی شیوه را با حوض پراسرارش خواهیم دید.

وادی بلند شیوه تقریباً دارای ۱۰۰۰ خانواده، ۱۱۰۰۰ نفوس، ۱۵۰۰ هکتار زمین آبی، ۲۰۰۰ هکتار زمین للمی و ۵۰۰۰۰ هکتار چراگاه بوده، عین زمان یک گوشه زیبا و "آثارخانه زبانی و طبیعی" ولایت بدخشان جمهوری اسلامی افغانستان به حساب می رود.

شیوه- وادی پهناور است که از شمالشرق با ولسوالی شغنان، از طرف جنوبغرب با ولسوالی بهارک همسرحد بوده، در ارتفاع ۳۰۰۰ تا ۴۶۰۰ متر از سطح بحر جای گرفته است. راه ماشینگرد (موترو) که طول آن بیش از ۱۰۰ کیلو متر تشکیل میدهد، از مسیر وادی شیوه گذشته، در میعاد از ماه جون الی نومبر مرکز ولسوالی شغنان را با شهر بهارک پیوست میکند. ساختمان این راه همه بطریق حشرهای عمومی و بدون استفاده یگان تخنیک و تراکتور توسط رضاکاری جوانان و مردان مسکونه ولسوالی های شغنان و بهارک و شهدا در سال ۱۹۸۸ آغاز یافته، در سال ۱۹۹۴ ختم گردیده است.

ماشین های (موترو های) "تیوتای" کوریایی ما کوچه های آخرین قریه مربوطه ولسوالی بهارک فرمراغ را دور زده، به راه پر خم و پیچ و آغشته از جنگ، رو به بالا به فرق سر کوتل بام دره میخزید. از سر کوتل تا فاصله سی کیلو متر دیگر مرغزار و شیب زاری دامنه داری را پشت سر گذاشتیم. راه بلد این موضع را به ما ایلاق جای یا چراگاه های تابستانی مردمان بهارک و زردیو و سرغیلان معرفی کرد. تقریباً پنج کیلو متر پیاپی از قریه مزار دره، نخستین دهقان شیوه را دیدم که بیل در کیتف آبیاری زمینهای جو کاشته را نظارت میکرد. همچنان درکنار ساحل دریاچه پیلاب چهار- پنج جوانان مشغول کار بودند. آنها چیزی را بریده در داخل سبد های کلان میماندند. "غیش شیبیر را میبرند." (چم شبر) پسان در جای آفتابرو غیش را خشکانده، پوره های سالمی به شکل چهار خانه بریده را در زمستان همچون مواد سوخت استفاده میکنند و خاکه و نرمه غیش را به زیر پایی (به جای تراشه) مالهای خود در آغیلها می اندازند. راه بلد در مورد کار جوانان که به ما نامعلوم است، شرح داد. مردمان شیوه، خانه های خود را از سنگ و خشت، در سر شخ و تپه های بلند و یا نزدیک چشمه ساران و لب ساحلهای دره میسازند و بر خلاف صنعت معماری و اسلامی و شرقی، خانه های مردمان اینجا دیوار های بلند و حویلی ندارند. همچنان اکثر خانهای عرفی بدون پیشوان و دهلیزشیوه چیان با دیوار های کج قالبی ناسفید یک حال رقتباری داشتند. از قریه مار دره کمی بالا تر قریه دو آب واقع گشته است. از دو آب راه ماشینگرد به سمت قریه قلعه میرزا شاه میرود، ولی این راه نا تکمیل و نا عیان به یک راه پیاده گرد مبدل میگردد. نهایتاً، این راه (سرک) پیاده گرد خرابه قد- قد ساحل دریای تنگ شیف آب ادامه پیدا کرده، رهگذر را از مسیر قریه های خینج و دولت شاهی به قریه تنگ شیف میبرد. قریه تنگ شیف (اصلاً تنگی شیوه با لفظ مردمان دروازی افغانستان) مربوط به ولسوالی مای می درواز است. راه ماشین گردی اساسی از بین قریه های پل زریبان، شاخدره و دادعلی گذشته، به سوی آبهای کرتخ و کرنگ میرود. در زیر کوتل کرنگ از سه حصه آب نیلگون حوض شیوه تنها یک قسمت آنرا رهگذر ها دیده می توانند، ولی قسمت بزرگ آب حوض در پس خم گشتی خیموجوات از نظر بیننده پت و پنهان میماند. در راه نزدیک به کرتخ مسوول

بخش زراعت شیوه نرورز قلندری حکایت را به ما نقل کرد که بسیار جالب بود. او میگوید که در زمانهای سابق شاعری اسپ سوار در فصل تابستان به شیوه می آید. شاعر که بار نخست به اینجا آمده بود، از دیدن منظره های دلفریب کوهستان به مثال مرغزارهای مخملین سبز، کشتزارهایی با وزش باد موج زن جو و جودر، آسمان صاف لاجوردی، چشمه های سرد و خوش طعم، حوض افسانوی شیوه، فراوانی نان و نمک به شیر و پنیر شیوه چیان و پذیرایی بی حد آنها را دید، بدیهیه شعر مینوسد:

شیوه با فردوس دارد همسری،
گر به تابستان تو از وی بگذری

اتفاقاً، آن شاعر در تیر ماه هم مهمان شیوه چیها میگردد. بدبختانه، زمانیکه او اسپ سوار به کوتل بام دره میبیراید، تند باد سختی وزیده، شاعر راه را گم میکند. برف نا بهنگامی با باران آمیخته، شاعر را به تنگ می آورد و او از شدت سرما دیر- دیر میلرزد. سرانجام، شاعر از شیوه بهشت آسا، نشان و آثاری را ندیده، با عذابی خود را به منزل ویرانه ای میرساند و زیر لب این ابیات را ترنم میکند:

با جهنم شیوه دارد همسری
بعد میزان گرتو از وی بگذری

شیوه از هرنگاه به وادی علی چار مرغوب هم شبیه است. همسانی علی چار، شیوه هم در داخل یک دره بیکنار جای گرفته است. که از دو طرف با کوه های نه آنقدر کلان قالب بندی شده است. تفاوت شیوه از علی چار در آنست که در شرایط اقلیمی شیوه زرع زراعت ممکن است، ولی در شرایط علی چار آن غیر مقدور و یک چیز طاقت فرسا است.

شیوه با سه چیز خود معروف است: اول با چراه گاه های سیر علف. دوم با کان سرمه سنگ، که سرمه این کان را زنان پس از تصفیه و پاک کاری برای آرایش چشم و ابرو استفاده میکنند. سوم با حوض هم نام خود "حوض شیوه یا حوض بدرالجمال". در خصوص حوض افسانوی شیوه، شرق شناس روس گرام باجوفسکی بعد بازگشت از سفر شیوه در کتاب خاطرات خود چنین نوشته است: "**اگر بدخشان انگشتر طلایی باشد، پس حوض شیوه نگین الماس آن است.**" اقلیم شیوه سرد و سیر بارش و زمستان آن طولانی است. در این مورد شاعر از اهل مردمان این جا شعری هم دارد:

ز عقرب تا به جوزا زیر برفیم،
بهار و تیر ماه ای نیست ما را

ساکنان شیوه به سه فرقه منسوب اند. اکثریت آنها از مردمان شغنان زمین اسماعیلی مذهب اند که تقریباً دو صد سال پیش به علت بی زمینی، جنگ و کشمکش های داخلی از شغنان به شیوه هجرت کردند. اکثریت باشندگان قریه دادعلی و تورغان از مردمان شعبیه اثنا عشر اند که زمانی از قریه ساوان شغنان به آنجا کوچیده اند. بالاخره، ساکنان ده خانواده قریه قره دنگ خود را به ما همچون تاجیکان اهل تسنن معرفی کردند، که زمانی از ریگستان به شیوه کوچیده اند. در طول قرنهای این مردمان بدون ملاحظاتی کیش و مذهب یک جامعه واحد را تشکیل داده، خود را شیوه چی و ملیت خود را با افتخار تاجیک میگویند. در رابطه به همزیستی صلح آمیز آنها میتوان نمونه ای از یک قوم با نام شغنی عرب یاد کرد که از نگاه پیدایش این مردمان نژادان از پدر عرب و از مادر شغنانی اند، که عین زمان چند خانه ای از آنها در قریه بلند کوه دادعلی سکونت دارند. شیوه چیان چاوندان نامی و پهلوانان معروف اند. پهلوانان و چاوندان بدخشان و تخارستان از میرشیوه چی، جوهره، محمد امیر، دلداربیک یاد کرده، ابراز داشتند، که این پهلوانان و چاوندان سالهای دراز در جشن های بزکشی که در شهر های بهارک و فیض آباد برپا میشوند، غالب می برآمدند و حریفی را برابریه خود نداشته بودند. متأسفانه، اگرچه قدم نامبارک طالبان

جنگجو به شیوه نرسیده بود، ولی متأسفانه دو پهلوان رستم صفت به مانند میر شیوه چی و افسقال شاه انور را در سال ۱۹۹۶ از طرف دشمنان طالب مآب به قتل رساندند.

شغل اساسی مردمان شیوه زراعت، مالداری و شکار است. در فصل تابستان جوانان از دره و دریاچه های بی شمار ماهی میگیرند، زیرا انواع ماهیان " مارینکه" و " عثمانکه" در رودخانه های دادعلی و پیلاب و تنگ شیو آب آنقدر زیاد است که مردمان آنرا با تورو سبد صید میکنند. از درختان مثمر (باسمپ) به استثنای جنگلهای انبوه سیب خود روی تلخک که در قریه های اقلیم معتدلی دولت شاهی و خنج میگویند، انواع دیگر درختان باثمر را ندیدیم. قریه های متذکره در داخل یک دره تنگ نزدیک به مرز درواز واقع گشته اند. چکلکهای زردبید و سفیدارکوهی را در اطراف خانه های شیوه چیان در بعضی قریه ها میتوان دید. عجیب تر از همه آنست که سفیدار موزون یا عرعر شرایط اقلیمی شیوه نمیروید و کل ستون و بالارو و ساچوبی "پامیری خانه های" مردمان شیوه از شغنان و بهارک به آنجا کشانده شدند و آنها در سابق با خر و ارابه. از زراعت مردمان بیشتر جو و جودر، نخود و مشنگ و کمتر گندم و کرتوشکه (کچالو) میکارند. علت اساسی کمتر کاشتن گندم در آنست که در بعضی سالهای سرد و سیر بارش گندم نارسیده میماند و مردمان حتا سالهایی را بیاد دارند که زمین های گندم کاشته آنها زیر برف نا به هنگام مانده بودند. در ساحه مالداری مردمان بیشتر گاو وگوسفند و کمتر بز و اسب می پروراندند. بزپروری اساسا شغل مردمان قریه های خنج و دولت شاهی است. گله بزبان ساکنان این قریه ها از ذات بزبان اسماری اند. بزبان اسماری طبیعتا قوی هیکل و دراز گوش و سیر شیر اند. صاحبان اصلی این بزها مردمان کوچی نورستانی یا گوجور اند که چهار فصل سال با گله بزبان خود از دره به دره ای و از جنگل به جنگلی میکوچند. در سالهای سابق مردمان دولت شاهی و خنج، بزبان اسماری را از گوجور ها خریده اند و چون قریه های متذکره سیر شیبیری و جنگلدار اند، سرشماری بزبان اسماری در شرایط این قریه ها رو به افزودن نمود و پسان- پسان این بزهای خوش ذات به تمامی قریجات شیوه انتقال یافتند. شیوه چیان با پرورش غژگاو (قوطاس) آشنایی ندارند. مسلم است که غژگاو حیوان اهلی است که طبیعتا در وادی های بلند کوهی سرد و کم برف پامیر و تبت و هیمالیا همه ساله در شرایط میدانی میچرد. خصوصیات فرق کننده دیگر این حیوان ذاتا گوشتی در آنست که زمستان غژگاو در کوه و تپه های کم برف شاخ و صم و فک خود برف را تازه کرده، از زیر برف پایه و ریشه بته ها را کافته با اشتیا میخورد. شاید سیر برفی فصل زمستان و کمبود علفها در اواخر زمستان و اوایل بهار بوده باشد، که به گفت موسفیدان شیوه چی غژگاو پروری در شیوه ناممکن شد و کسانیکه چند راس غژگاو را از ولسوالی زیباک خریده بودند در زمستان تلف شدند. غله بی شماری شتران، که در تابستان در مرغزارهای شیوه میچرند، مال کوچیان عرب و پشتون استند، که هر سال در تابستان از تخار، کندز و بغلان با رمه های بی شمار وگوسفندان ترکی خود به شیوه کوچ میکنند. این مردمان مالدار در زمان سلطنت محمد ظاهرشاه برای استفاده موسومی مواشی خود، که اصلا فصل های تابستان و تیرماه اند، از حکومت آنوقت سند و قواله بدست آورده، فعلا چراه گاه های بی شماری در شیوه و ایش (این وادی با بهترین مرغزار و علفچر های تابستانی اش مربوط به ولسوالی کوفاب درواز است) زیر پای ستوران آنها اند. مردمان بومی برعکس از چراهگاه های پهناور خود مفادی نمیگیرند و ایلاقیهای آنها اکثرا در گرد و دور خانهای ایشان اند. سیاست پشتون سالاری دوره محمد ظاهر شاه دست به آن داد، که خانهای مالدار عرب و پشتون سوء استفاده از ضعفی مردمان بومی توانستند در مدت کوتاهی زمین و علفچر های مردمان تاجیک را از دست آنها برابیند و آنها را انعام بخش و وثیقه های مورثی خود قرار بدهند. این نارضایتی و اعتراضات تا بحال در این مناطق وجود دارد.

در سالهای کم برفی شیوه، که زادگاه مردمان باغرور است، نه همه وقت مکان بهشت آسا برای ساکناناش بوده است. مثلن، تنها در سال ۱۹۹۴ بعد خشکسالی و قحطی بی مثال که از سال ۱۹۹۲ آغاز یافته بود،

در حدود ۱۲۰ خانوار شیوه را ترک گفته ، عازم ولایت بغلان گشتند. با زحمت و صبر بی حد شیوه چیان در موضع دشت کیله گی و شرق پلخمری زمین خرید، خانه و حویلی ساختند. در طول چند سال در این مکان گرم شیوه چیان پهلو به پهلو شالی کاران بغلان زندگی داشتند. در آن سالهای پرآشوب ولایت های بغلان و بدخشان دور از نبرد طالبان بودند، ولی بدبختانه فوج جنگجوی " طالبان" به بغلان هم رسید. با استفاده از دسیسه سازی خانهای محلی، طالبان شیوه چیان را از دهه های نوساخته شان بدر کرده، چهار پا و زمین آنها را بین خود تقسیم نمودند. بعد رزم و گریز- گریز تنها هشتاد خانواده از مردمان میانه خالی شیوه توانستند در موضع علی آباد ولایت کندز زمین و حویلی بخرند، ولی متباقی که از خانواده شیوه چی نادر بودند باز پس به شیوه برگشتند.

سالهای اخیر در حیات شیوه چیان روی داد های مهم و پیشرویهای خوبی به چشم میخورد. تحت سرپرستی و کمک موسسه های خیریه و انکشافی طور مثال شبکه انکشافی آغاخان افغانستان در قریه های دوآب شفاخانه زمانهومی(عصری) و در پهم دره مکتب لیسه ساخته شدند. پس از سالهای پرآشوب و تاریک در زندگی شیوه چیان تغییرات کلی وارد شده است. فعلا دختران مکتب خوانده آزادانه در مکتبها تدریس دارند و شمار معلمه ها از حساب آموزگاران محلی سال تا سال زیاد میشوند. قریه ها هم اکنون چراغان و علاقه بین قریه ها منظم و رفت و آمد مردمان در سرکهای فرعی بین دهکده ها به استثناء از فصل زمستان دایمی است. در سالهای گرم و سیر بارش نرخ گله و علوفه و قروت و کرتوشکه در دکانچه های سر راه شیوه چیان از همه ارزان است.

طبق گزارش موسسات بشری و انکشافی ، که در شیوه کار میکنند یگانه کمبودی ای که در روزگار شیوه چیان است، این بی تفاوتی ایشان در رابطه به کشت سبزیجات و استعمال آن در غذا است. استاد نوروز قلندری ابراز داشت، که او با همکارانش در زمین های تجربوی حاصل بلندی ترب و لبلبو، شلغم و پیاز و سبزی و کبودی(یعنی عدویه) رویانند. متاسفانه، دهاقین تا حال در غذای خود از سبزیجات کم استفاده میکنند. چون از او پرسان کردم، که چرا برنامه کار پیوند جنگلهای سیب وحشی قریه های خنج و دولت شاهی را عملی نمیکند، او با تاسف چنین گفت: " شیوه چیان اکثرا مالدار و یک کاره اند. سال چند ما یک جنگل باغی سفیدار و بید را در قریه ماردره احداث کردیم. با وصف آنکه جنگل محوطه قایم هم داشته بود، مالداران چشم محافظ را خطا کرده، ستوران خویشرا در داخل جنگل میچرانند. من کاملا مخالف گپ مردمان شیوه چی ام ، که میگویند به مالدار نهال اوبال. البته ما کارمندان زراعت بعد آن میکوشیم، که در آینده نزدیک احداث باغهای سیب وکار پیوند جنگلزار سیب خود رو را در قریه های خنج و دولت شاهی عملی نماییم. ولی مشکل اساسی ما انتقال نهالهای زراعتی و قلمهای پیوندی از ولسوالی های بهارک و شغنان است، چرا که بهار شیوه دیر پا و راه های آن در این موسم صعب العبور اند."

حوض شیوه را بار نخست در سال ۱۸۸۲ توسط دوکتور و عالم بوتانیک روس البرت ادواردویچ ریگیل مورد مطالعه قرار داده و آنرا در نقشه افغانستان ثبت کرده است. از روی پیدایش خود حوض شیوه به گروپ حوض های تیکتانیکی منسوب شده و در ارتفاع ۳۱۱۰ متر از سطح بحر جای گرفته است. حوض شیوه در سمت شمال شرقی ولسوالی شغنان ، تقریبا ۲۵ کیلو متر دور تر از مرکز آن و در احاطه کوه های بلند و داخل یک چقوری مثلث مانند واقع گشته است. طول حوض ۹ کیلو متر و عرض آن تا ۲ کیلو متر است. ژرفترین محله حوض ۲۷۰ متر است. حوض اساسا در ماه سپتمبر پر آب میشود. آب چشمه های بی شماری از زیرسربند هشتاد متره طبیعی با نام خمجوات برآمده، دریاچه ای به نام ارخت تشکیل میدهد و این دریاچه در دهه داکخانه به دریای پنج همراه میشود. زمستان حوض سراسر یخ میندند. حوض ماهی ندارد. در ساحل حوض یک سرای و آشخانه همیشه در خدمت سیا حان و رهگذران است.

عالمان، حوض های تیکتانیکی شیوه و سریز را در گروپ حوض های خطرناک و رخنه شونده نسبت میدهند و برای اثبات نظریه های خود پیرشوی جنسهای کوهی و سالخورده شوی سربند های طبیعی را می آورند. چنانچه خود کشف حوض شیوه ریگل در گزارش خود بعد بازگشت به اروپا نوشته است: " در صورت زمین جنبی شدید و رخنه حوض شیوه دریای پنج بسته خواهد شد، و صد ها دهات پایان آبی افغانستان و تاجیکستان خساره بزرگ وارد میکند." طبق آمار سال ۱۹۸۲ بلند شوی سطح آب حوض شیوه بعد هر بیست سال پر خوف و خطر میگردد. ساکنان روستای درمارخت جمهوری اسلامی افغانستان و جمعیت درمارخت تاجیکستان از سالی در سال ۱۹۷۹ از زیر سربند خمجوات فرا آمده یاد کرده، ابراز داشتند، که آنوقت سیل زمینهای بسیار و جنگل و چراه گا های بی شمار دو طرف دریاچه ارخت را بکام خود برده بود. نظر به مشاهده سالهای آخر سطح بالایی آب حوض یک متر و 23 سانتی متر بالا برآمده است. از جانب دیگر پهلوی آب موری ارخت، پیدا شدن آب موری های دیگر و لغزش تپه خاکی زیر سربند وضعیت را متشنج میگرداند. طبق حسابات قبلی عالمان و کارمندان حادثات طبیعی در صورت فلاکت طبیعی و در اثر رخنه شدن حوض شیوه به سمت ناحیه شغنان تاجیکستان ۲۰۰ میلیارد متر مربع آب فرا آمده، مجرای دریای پنج را میبندد. در مدت ۷۸ ساعت آب انباری مصنوعی سیصد متره بوجود آمده، ۷۳ دهات زیر آب میکند. بالاخره در صورت کنده شدن آب انبار قد- قد ساحل دو طرف دریای پنج از طرف تاجیکستان و افغانستان با تهدید ۲۶۷۰ قریه و قشلاق شسته میشوند.

صفر ظهیر - مسوول سازمان امدادی فوکس - امریکا در افغانستان میگوید، که به خاطر آموزش وضع قول شیوه گروه مکمل عبارت از مهندسان، زمین شناسان و طبیعت شناسان در محله شیوه اعزام شد و وضع ایکالوژی و طبیعی آن مورد آموزش آنان قرار گرفته است. به گفته آقای ظهیر سدی که راه این قول را باز میدارد در حدود دو کیلو متر پهنایی دارد و از انواع سخت ترکیب یافته، در حال حاضر احتمال رخنه شدن قول وجود ندارد. آقای ظهیر رخنه شوی سد قول را تنها در صورت رخ دادن زلزله شدید امکان پذیر می شمارد.

فیض میر حسن اف - روزنامه نگار محلی از شهر خاروغ از آن اظهار نگرانی میکند، که خطر قول شیوه نسبت منطقه افغانستان برای منطقه مرزی تاجیکستان بیشتر است. به عقیده او این قول نه تنها در مورد دقت افغانستان، بلکه همیشه مورد توجه جانب تاجیکستان نیز قرار داشته باشد. آقای میر حسن اف گفت که در حال حاضر توجه اکثر سازمانهای حکومتی و امدادی جهانی به قول سریز واقع در ناحیه روشن تاجیکستان جلب شده، قولهای دیگر متعدد و خطر زادر محلات مرتفع مناطق کوهستانی تاجیکستان و افغانستان از نظر ها دور مانده اند. به اندیشه میر حسن اف قول شیوه از جمله چنین قولهای خطرناک است، که باید همیشه در زیر آموزش دوجانبه متخصصین تاجیک و افغان قرار داشته باشد.

از سوی دیگر از خطر تروریستان نیز چشم پوشیدن ممکن نیست. مردمان تا جایی از حملات تروریستان مخالفین حکومت نیز اظهار نگرانی میکنند. در راه یافتن مرگ طلبان طالب ترکاندن در غات (سد) سمت درمارخت امکان پذیر است. از این رو برای جامعه آینده ساز تکرار گوشرس کردن پند " علاج واقع پیش از وقوع باید" واقعا به مورد است.

مؤلف: داود شاه سلیمان شاه

نوشته شد بتاريخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۲ مطابق به ۱۶ میزان ۱۳۹۱

Муаллиф Довудшоҳ Сулаймоншоҳ
Санаи иншо 10.07.2012